

در نكوهش استبداد درون حزبی

ناصر ایرانپور

چندی پیش مقاله‌ای از سوی آقای حسن رحمان‌پناه، عضو کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست ایران و مسؤول سازمان کردستان این حزب پیرامون مناقشات آنان با "فراکسیون فعالیت به نام کومه" تحت عنوان "آزموده را آزمودن خطاست" منتشر شد. پیام اصلی و مستتر آقای رحمان‌پناه در این نوشته این بود که آنها قادر نیستند ناراضیان داخلی را بیش از این در حزب خود تحمل کنند. من طی نامه‌ای دوستانه به ایشان، وی و رهبری حزبشان را ملامت نمودم و آنها را از ادامه‌ی اقدامات تاکنونی برحذر داشتم. اما اخیراً از تشدید بحران داخلی این حزب خبر رسید. شواهد نشان می‌دهند که فشارها بر گروهی که معتقدند حزب کمونیست باید من بعد تحت نام کومه به فعالیت خود ادامه دهد افزایش یافته است. متعاقب آن نوشته‌ای از دو دوست عزیز، آقایان یحیی دولتداری و فرخ معانی "خطاب به رهبری حزب کمونیست ایران" منتشر شد که در آن از تزییقات و اجحافات بر دگراندیشان درون حزبی خبر داده شد.

از نظر من احزاب کردستان ایران باری دیگر اثبات نمودند که ظرفیت پذیرش دگراندیشان را ندارند و حتی استبدادی را که گویا برعلیه‌اش مبارزه می‌کنند، در تشکیلات خود پیاده نموده‌اند. نباید گذاشت این آزادی‌کشی درون‌حزبی موفق شود. در همین راستا معتقدم زیر آب کردن سر فراکسیون به زیان کل جنبش کردستان، امر دمکراسی در جامعه‌ی ایران و حتی زندگی درون حزبی در احزاب کردستان و خود کومه‌له است. بنابراین باید تزییقات اعمال شده را محکوم نمود و از دگراندیشان درونی حزب کمونیست ایران، صرف نظر از اینکه در مورد افکار و مطالبات آنها چگونه می‌اندیشیم، قاطعانه دفاع نمود.

من چند سالی پیش به یکی از رفقای حکا گفتم که باید از آن جریان‌اتی ترسید که داعیه "آزادی بدون قید و شرط سیاسی" را دارند. امروز می‌بینیم که این حزب آزادی با قید و شرط را نیز قبول ندارد و چون اسلام ناب محمدی تسلیم و کرنش بیش نمی‌خواهد. رفقای معترض درون این تشکیلات باید بدانند که تنها نیستند و افرادی در جامعه دقیقاً این تحولات و اجحافات را دنبال و صد البته افشا می‌سازند. همچنین از پاره‌های دیگر کومه‌له نیز انتظار می‌رود که نگذارند که "رهبران" این تشکیلات این صداهای اعتراضی را جفه کنند. این تشکیلات باید یقین داشته باشد که در آینده این اعمالش بیشتر زیر ذره‌بین رود و فشار افکار عمومی کردستان بر آنها بیشتر شود و انزای آن بیش از پیش گردد.

متأسفانه قرائن حاکی از انشعاب قریب‌الوقوع دیگری در این حزب می‌باشند و این قبل از هر چیز بیانگر عدم وجود دمکراسی و آزادی درون حزبی در این تشکیلات است.

احزابی که قادر نباشند روابط درون‌تشکیلاتی سالم و دمکراتیک داشته باشند و با مخالف و دگراندیش درونی متمدانه تعامل کنند، یقیناً در جامعه نیز چیزی جز استبداد و دیکتاتوری را برپا نخواهند نمود. میزان پابندی احزاب اپوزیسیون را نه بر پایه‌ی ادعاهایشان، بلکه باید بر اساس مناسبات درون‌تشکیلاتی‌شان سنجید و الحق احزاب ایرانی و کردستانی سابقه‌ی چندین درخشانی از این لحاظ ندارند. با این مقدمه و هشدار نامه‌ی سرگشاده‌ی مورد بحثم به آقای حسن رحمان‌پناه را در بخش "مشروح مطلب" در اختیار علاقمندان خواهم گذاشت.

لازم به ذکر می‌دانم که این نامه را برای سایت رسمی حزب کمونیست ایران فرستادم و طی توضیحی از آنها خواهم نمودم آن را بعنوان نظر یک علاقمند به سرنوشت این تشکیلات در آن منتشر سازند. آنها حتی خود را به ظاهر نیز مکلف به رعایت اصول دمکراتیک و بدیهیات اخلاقی نمی‌کنند. به همین دلیل نه نامه از سوی آنها منتشر شد و نه پاسخی - رسمی و غیررسمی - گرفتیم. این هم از "آزادی بدون قید و شرط" ادعایی حضرات حزب کمونیست ایران!